

پیوسته به نوشته های گذشته

توسط: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

با استفاده از مطالعه ای تحلیلی علمی و مقالات
در مورد سیر حوادث و چگونگی اوضاع افغانستان
به سوالات چندی پاسخ ارائه میشود

***By using a study of scientific analysis and articles
about the course of events and the situation in
Afghanistan, several questions are answered.***

فصل سوم

سوال چهارم : ایالات متحده چرا نیروهای خود را از
افغانستان خارج کرد ؟

به ادامه

چرا آمریکا از افغانستان خارج شد



«به دنبال خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان و تصرف کامل کابل توسط طالبان یکی از اصلی‌ترین مسائلی که در سطوح مختلف مطرح است این است که چرا آمریکا از افغانستان خارج شد.»

به گزارش **ایسنا**، **فاطمه نکولعل آزاد**، کارشناس مسائل غرب آسیا و پژوهشگر موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران در یادداشتی با این مقدمه می‌نویسد: **دلیل اولی** که باید به آن توجه کرد مسئله خروج قدمتی به‌اندازه اشغال افغانستان توسط آمریکا دارد و از سال 2001 تاکنون یک موضوع برجسته در سیاست داخلی آمریکا بوده است. در واقع، بعد از حمله آمریکا به افغانستان، یکی از مسائل مهم سیاست داخلی آمریکا کاهش حضور یا خروج نیروهای نظامی این کشور از افغانستان بود؛ اما **دونالد ترامپ** بود که در کمپین‌های انتخاباتی در سال 2016، به‌طور جدی موضوع کاهش تعهدات خارجی آمریکا و کاهش حضور نظامی فرامرزی این کشور را مطرح و در طول دوران ریاست جمهوری خود نیز تلاش کرد تا این شعار را محقق سازد. لذا **ترامپ** موضوع خروج نیروهای نظامی از افغانستان را در دستور کار قرار داد و مذاکرات صلح با طالبان را آغاز کرد. گفتگوها میان آمریکا و طالبان سرانجام در ماه فبروری «2020» به امضای موافقت‌نامه صلح میان دو طرف انجامید. این موافقت‌نامه، در بردارنده عناصری چون خروج نیروهای آمریکا از افغانستان، آزاد کردن زندانیان توسط طالبان و دولت افغانستان و برگزاری گفتگو میان طالبان و دولت بود.

با روی کار آمدن **بایدن** در ژانویه 2021 این تصور شکل گرفت که شاید **بایدن** با تصمیم آمریکا مخالفت کند؛ اما واقعیت این است که **بایدن** نیز در گذشته حامی جدی خروج بوده است. نگاه به گذشته عیان می‌کند که **بایدن** در دهه گذشته نسبت به کاهش نیروهای آمریکایی در افغانستان به چند هزار نفر و تمرکز بر حملات هدفمند در برابر تهدیدات شدید برای امنیت منطقه‌ای و آمریکایی مصر بوده است. **جو بایدن** در دولت **اوباما** پیش از افزایش حضور نظامیان آمریکا، از مخالفان جدی به شمار می‌رفت. در سال 2011 در گفتگو با نیوزویک اعلام کرد که آمریکا طالبان را دشمن خود نمی‌داند. علاوه بر این وی در مقاله‌ای در فارین افرز در ابتدای 2020 نوشت که «اکنون زمان پایان دادن به جنگ‌های دائمی است که برای آمریکا هزینه دارد. همان‌طور که من از گذشته استدلال کرده‌ام ما باید اکثر نیروهای خود را از جنگ‌ها در افغانستان و خاورمیانه به خانه بازگردانیم و مأموریت خود را به‌صورت محدود در مبارزه با القاعده و داعش تعریف کنیم.» لذا قابل پیش‌بینی بود که **بایدن** نیز موضوع خروج را دنبال کند.

دلیل دوم پایان دادن با دور باطل پرهزینه برای آمریکا بود. بدین معنی که این کشور در 20 سال گذشته درگیر دور باطل افزایش و کاهش حضور نیروها در افغانستان بوده است. در واقع، رسیدن مقامات آمریکایی به این ادراک که حفظ و افزایش نیروها در افغانستان آن‌طور که **آنتونی بلینکن** نیز گفته است یک دور باطل است؛ یعنی افزایش نیروها، عقب‌راندن طالبان، کاهش نیروها، پیشروی طالبان و دوباره افزایش نیرو. این فرایند سبب شکل‌گیری وضع موجود شکننده‌ای برای آمریکا شده بود.

دلیل سوم اینکه آمریکا تمرکز خود از افغانستان را به‌سوی تمرکز بر موضوع صرف تروریسم در قالب داعش و القاعده تغییر داده است. اظهار نظر **بایدن** مبنی بر اینکه «تنها مسئله‌ای که باید در افغانستان به آن رسیدگی کنیم مسئله تروریسم در منطقه است» گویای این واقعیت است. آمریکا امیدوار است از طریق حضور در کشورهای پیرامون، عملیات اطلاعاتی و نظامی را در خاک افغانستان انجام دهد. در این راستا آمریکا از پاکستان در خواست تأسیس پایگاه نظامی کرده است.

دلیل چهارم اینکه مقامات آمریکایی به این ادراک رسیده‌اند که شاید قدرت‌گیری طالبان بیش از آنکه بتواند برای آمریکا چالش باشد برای کشورهای همسایه چون چین، روسیه و ایران چالش باشد. به‌عنوان مثال، هرچقدر هم که چین به طالبان نزدیک شده باشد باز هم اویغورها به افغانستان به‌عنوان محل امن و پایگاه خود نگاه خواهند کرد. این ارزیابی غیرواقع‌بینانه نیست. نگاهی به مواضع اخیر

پوتین درباره خطر افراطگرایی دینی در آسیای مرکزی و انجام مانورهای نظامی مشترک با کشورهای آسیای مرکزی و حتی چین در هفته‌های اخیر گویای این واقعیت است.

دلیل پایانی رسیدن به این ارزیابی واقع‌گرایانه توسط آمریکا بود که **اولاً** ملت‌سازی در افغانستان امکان‌پذیر نیست و **ثانیاً** طالبان بخشی از جامعه افغانستان است. **جو بایدن** در اظهارنظری گفته است که امکان اتحاد در افغانستان وجود ندارد و اینکه «وقتی پاکستان سه ولایت افغانستان را در شرق این کشور کنترل می‌کند. افغانستان را نمی‌توانیم درست کنیم. درست شدن نیست.» همچنین آمریکا کاملاً طالبان را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته و می‌داند این گروه در جامعه افغانستان از نفوذ زیادی برخوردار است.

آمریکا از افغانستان خارج شدن به دلیل طراحی توطئه‌ای برای ایران، روسیه و چین بلکه از آن حیث که نشانه‌هایی از افول قدرت خود را در نظام بین‌الملل احساس کرده بود و ضروری بود این نشانه‌ها جدی گرفته شود.

به گزارش دفتر منطقه‌ای **خبرگزاری تسنیم**، اکنون میست در مطلبی می‌نویسد: آمریکا از افغانستان خارج شدن به دلیل طراحی توطئه‌ای برای ایران، روسیه و چین بلکه از آن حیث که نشانه‌هایی از افول قدرت خود را در نظام بین‌الملل احساس کرده بود و ضروری بود این نشانه‌ها جدی گرفته شود و تا حد امکان مورد مدیریت قرار گیرند.

اما این افول و زوال قدرت ناشی از تأثیرگذاری جنگ‌های گران‌ایالات متحده بر بنیان‌های قدرت داخلی بود. فوکویاما در تازه‌ترین مقاله خود در مجله اکنون میست به‌درستی به این واقعیت اشاره کرده بود: «ریشه‌های دیرپای ضعف و افول آمریکا بیشتر داخلی هستند تا بین‌المللی.»، به همین دلیل اندیشمندان و تینکتک‌های آمریکایی در سال‌های گذشته پژوهش‌های متعددی برای توقف این روند افول در قدرت آمریکا به انجام رساندند.

گزارش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه واتسون بین سال‌های 2018 و 2019 و همچنین گزارش‌های دفتر بودجه‌کنگره آمریکا بین سال‌های 2018 و 2020 به‌خوبی از این ارتباط منطقی رونمایی می‌کند. نتیجه سیاست بسط بی‌رویه نفوذ و جنگ‌های بی‌پایان به‌ویژه در افغانستان و خاورمیانه پس از حادثه 11 سپتامبر، هزینه حداقل حدود 4 تا 6 تریلیون دلار بوده است، اما نکته بسیار مهم این است که این هزینه تقریباً به‌طور کامل از طریق استقراض، تأمین مالی شده است (اوراق قرضه و...)، بنابراین تأثیر کلان اقتصادی هزینه‌های فدرال در جنگ‌های افغانستان و عراق به افزایش بدهی منجر شد، بنابراین بدهی عمومی در حال افزایش و هزینه پرداخت بهره‌های این استقراض‌ها در حال انباشت است.

تقریباً یک تریلیون دلار از هزینه‌های جنگ از سال 2001 ناشی از بهره همین بدهی‌ها بوده است، حتی با توقف جنگ‌ها، بهره‌ها همچنان در حال انباشت خواهد بود و تا سال 2030 به 2 تریلیون دلار و تا سال 2050 به 5 تا 6 تریلیون دلار خواهد رسید، به همین دلیل دوباره تأکید می‌کنم که هزینه این جنگ‌ها «حداقل» 4 تا 6 تریلیون دلار بوده است.

تحت تأثیر همین افزایش بدهی و همین‌طور افزایش پرداخت‌های بهره‌ای، نرخ بهره در ایالات متحده نیز افزایش می‌یابد و همین مسئله بخش خصوصی و دولتی را درباره هزینه‌کردهای آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه پرداخت‌های بهره‌ای سهم بیشتری از بودجه فدرال داشته باشند، فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری مولد، انرژی پاک، زیرساخت‌ها و آموزش محدودتر می‌شود.

جنگ افغانستان و عراق باعث از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌ها و خدمات عمومی شده است و افزایش میزان استقرار به عقب‌ماندگی‌های اقتصادی قابل‌توجهی در آمریکا انجامیده است.

به‌خلاف تصور رایج پیشین در آمریکا که جنگ راه مؤثری برای اشتغال‌زایی است، اگر بودجه فدرال صرف آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی و انرژی سبز می‌شد، حداقل 4/1 میلیون شغل دیگر ایجاد می‌کرد. بررسی‌های مؤسسه واتسون نشان می‌دهد هزینه‌های نظامی در مقایسه با سایر بخش‌ها مشاغل کمتری ایجاد می‌کند. به‌طور مثال هزینه در بخش انرژی پاک می‌تواند 50 درصد بیشتر از بخش نظامی شغل ایجاد کند؛ همین‌طور هزینه در بخش آموزش بیش از 2 برابر بخش نظامی قابلیت اشتغال‌زایی دارد، اما چرا؟ بخش‌هایی مانند آموزش و پرورش و انرژی پاک به کار بیشتری نیاز دارند، یعنی بیشتر دلارها صرف استخدام کارگران می‌شود و نه خرید تجهیزات و مواد اولیه.

همین آمارها ما را با واقعیت عقب‌ماندگی آمریکا از چین در برخی حوزه‌های اقتصادی آشنا می‌کند. داده‌های شورای ملی اقتصادی ایالات متحده نشان می‌دهد چین سالانه بیش از 3 برابر آمریکا برای ایجاد جاده‌ها، مدارس و دیگر زیرساخت‌ها هزینه می‌کند. ایالات متحده از نظر سرمایه‌گذاری در زمینه نوآوری در رتبه نهم جهان قرار دارد؛ در حالی که چین به رتبه دوم رسیده است، بنابراین علت اصلی خروج نیروهای آمریکایی به همین مسائل بنیادی بازمی‌گردد؛ نه طراحی توطئه‌ای از جانب آمریکا علیه رقبای خود.

علت اصلی خروج آمریکا از افغانستان



[هادی خسروشاهین](#)

کدخبر: ۴۳۸۹۳۱۷/۱۴۰۰/۰۶/۱۷ - ۰۱:۴۷

علت اصلی خروج نیروهای آمریکایی به همین مسائل بنیادی بازمی‌گردد؛ نه طراحی توطئه‌ای از جانب آمریکا علیه رقبای خود. درست است که چین و ایران به‌واسطه همسایگی و روسیه به‌دلیل اهمیت آسیای مرکزی و تاجیکستان در حوزه منافع ملی‌اش از رشد دوباره بنیادگرایی و تروریسم در افغانستان متضرر خواهند شد، اما اینها همه از اثرات وضعی خروج نیروهای آمریکایی و خلأ قدرت به وجود آمده است.

آمریکا از افغانستان خارج شد نه به‌دلیل طراحی توطئه‌ای برای ایران، روسیه و چین بلکه از آن حیث که نشانه‌هایی از افول قدرت خود را در نظام بین‌الملل احساس کرده و ضروری بود این نشانه‌ها جدی گرفته شود و تا حد امکان مورد مدیریت قرار گیرند.

اما این افول و زوال قدرت ناشی از تاثیرگذاری جنگ‌های گران‌ایالات متحده بر بنیان‌های قدرت داخلی بود. فوکویاما در تازه‌ترین مقاله خود در مجله اکونومیست به درستی به این واقعیت اشاره کرده بود: «ریشه‌های دیرپای ضعف و افول آمریکا بیشتر داخلی هستند تا بین‌المللی.» به همین دلیل اندیشمندان و تینک‌تک‌های آمریکایی در سال‌های گذشته پژوهش‌های متعددی برای توقف این روند افول در قدرت آمریکا به انجام رساندند. مقاله دانیل بنایم و جیک سالیوان در ۲۲ می ۲۰۲۰ فارن‌افرز، پژوهش ایلان گلدنبرگ و کالینگ توماس در مرکز امنیت آمریکایی نوین در ۲۰ جولای ۲۰۲۰، مقاله

کریس مورفی در مجله فارن افرز به تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۲۱ تنها بخشی از پژوهش‌های انجام‌شده برای مدیریت این افول بود. اما رابطه جنگ افغانستان و به‌طور کلی جنگ‌های پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با نشانه‌های افول قدرت آمریکا یا به قول **فوکویاما** پایان عصر آمریکا چیست؟ گزارش‌های انجام‌شده توسط موسسه واتسون بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و همچنین گزارش‌های دفتر بودجه کنگره آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ به خوبی از این ارتباط منطقی رونمایی می‌کند.

نتیجه سیاست بسط بی‌رویه نفوذ و جنگ‌های بی‌پایان به‌ویژه در افغانستان و خاورمیانه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، هزینه حداقل حدود ۶/۴ تریلیون دلار بوده است. اما نکته بسیار مهم این است که این هزینه تقریباً به‌طور کامل از طریق استقراض، تامین مالی شده است. (اوراق قرضه و...) بنابراین تاثیر کلان اقتصادی هزینه‌های فدرال در جنگ‌های افغانستان و عراق به افزایش بدهی منجر شد. بنا بر این بدهی عمومی در حال افزایش و هزینه پرداخت بهره‌های این استقراض‌ها در حال انباشت است. تقریباً یک تریلیون دلار از هزینه‌های جنگ از سال ۲۰۰۱ ناشی از بهره همین بدهی‌ها بوده است.

حتی با توقف جنگ‌ها، بهره‌ها همچنان در حال انباشت خواهد بود و تا سال ۲۰۳۰ به ۲ تریلیون دلار و تا سال ۲۰۵۰ به ۶/۵ تریلیون دلار خواهد رسید. به همین دلیل دوباره تاکید می‌کنم که هزینه این جنگ‌ها «حداقل» ۶/۴ تریلیون دلار بوده است؛ در حالی که در واقعیت این جنگ‌ها با فرض اتمام آنها همین امروز برای آمریکایی‌ها (با در نظر گرفتن بهره استقراض‌ها) حدود ۱۳ تریلیون دلار آب خورده است. تحت تاثیر همین افزایش بدهی و همین‌طور افزایش پرداخت‌های بهره‌ای، نرخ بهره در ایالات متحده نیز افزایش می‌یابد و همین مساله بخش خصوصی و دولتی را درباره هزینه‌کردهای آینده تحت تاثیر قرار می‌دهد.

دفتر بودجه کنگره تخمین می‌زند که پرداخت‌های خالص بهره در حال حضور حدود ۱/۴ درصد تولید ناخالص داخلی است و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۱ به ۲/۴ درصد و تا سال ۲۰۵۱ به ۶/۸ درصد برسد. هر چه پرداخت‌های بهره‌ای سهم بیشتری از بودجه فدرال داشته باشند، فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری مولد، انرژی پاک، زیرساخت‌ها و آموزش محدودتر می‌شود. پرداخت‌های بهره‌ای در سال ۲۰۲۱، ۸ درصد از بودجه فدرال را تشکیل می‌دهد؛ اما انتظار می‌رود این رقم تا سال ۲۰۲۵ به ۲۷ درصد از هزینه‌های فدرال برسد. افزایش بدهی و هزینه‌های بهره‌ای نیز به نابرابری نسلی کمک می‌کند؛ زیرا این بار سنگین بر دوش مالیات‌دهندگان آمریکایی خواهد افتاد. بنابراین جنگ افغانستان و عراق باعث از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌ها و خدمات عمومی شده و افزایش میزان استقراض به عقب‌ماندگی‌های اقتصادی قابل توجهی در آمریکا انجامیده است.

بر خلاف تصور رایج پیشین در آمریکا که جنگ راه موثری برای اشتغال‌زایی است، اگر بودجه فدرال صرف آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی و انرژی سبز می‌شد، حداقل ۱/۴ میلیون شغل دیگر ایجاد می‌کرد. بررسی‌های **موسسه واتسون** نشان می‌دهد هزینه‌های نظامی در مقایسه با سایر بخش‌ها مشاغل کمتری ایجاد می‌کند. به‌طور مثال هزینه در بخش انرژی پاک می‌تواند ۵۰ درصد بیشتر از بخش نظامی شغل ایجاد کند؛ همین‌طور هزینه در بخش آموزش بیش از ۲ برابر بخش نظامی قابلیت اشتغال‌زایی دارد. اما چرا؟ بخش‌هایی مانند آموزش و پرورش و انرژی پاک به کار بیشتری نیاز دارند. یعنی بیشتر دلارها صرف استخدام کارگران می‌شود و نه خرید تجهیزات و مواد اولیه.

همچنین درصد بیشتری از هزینه‌های آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و ساخت‌وساز در انرژی پاک در سرزمین آمریکا باقی می‌ماند و به همین دلیل مشاغل بیشتری ایجاد می‌کند؛ در حالی که پرسنل نظامی بیشتر درآمد خود را در خارج از ایالات متحده هزینه می‌کند و پیمان‌کاران و کارکنان خارجی بخشی از بودجه پنتاگون را دریافت می‌کنند. از طرف دیگر با همین پولی که به پیمان‌کاران و پرسنل نظامی پرداخت می‌شود، می‌توان به افراد بیشتری در سایر بخش‌ها حقوق داد و آنها را استخدام کرد.

در نتیجه اگر طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ آمریکا در جنگ نبود و منابع خود را به سمت توسعه صنعت انرژی پاک، گسترش پوشش مراقبت‌های بهداشتی و افزایش فرصت‌های آموزشی هدایت می‌کرد، بین ۱/۴ تا ۳ میلیون شغل دیگر ایجاد می‌شد و بیکاری به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کرد. با یک میلیارد دلار هزینه نظامی برای ۱۱ هزار و ۲۰۰ نفر می‌توان در بخش آموزش و پرورش ۲۶ هزار و ۷۰۰ نفر، در بخش انرژی پاک ۱۶ هزار و ۸۰۰ نفر و در بخش مراقبت‌های بهداشتی ۱۷ هزار و ۲۰۰ نفر را استخدام کرد.

همچنین باید بر تاثیرات این جنگ‌ها بر سرمایه‌گذاری عمومی توجه کرد. بیش از نیمی از کل دارایی دولت فدرال را ساختمان‌ها، هواپیماها، کشتی‌ها، وسایل نقلیه، رایانه‌ها و تسلیحات دربرمی‌گیرد. در سال ۲۰۰۰ کل دارایی‌های پنتاگون ۱/۱ تریلیون دلار ارزش داشت؛ ولی از آن مقطع زمانی مجموع دارایی‌های پنتاگون به‌طور مستمر افزایش یافته و در سال ۲۰۱۹ به ۸/۱ تریلیون دلار رسیده است. در حالی‌که سرمایه‌گذاری عمومی در بخش دارایی‌های غیرنظامی یعنی ساختمان‌های عمومی، جاده‌ها، سیستم حمل‌ونقل عمومی، سیستم‌های آب و فاضلاب، خدمات عمومی، امکانات تفریحی و... از اواسط دهه ۱۹۷۰ ثابت باقی مانده و امروزه تقریباً نصف میزان دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است.

اما واقعیت این است که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها تاثیر مستقیمی بر فعالیت و عملکرد بخش خصوصی دارد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری عمومی نظیر جاده‌ها باعث می‌شود تا رفت و آمد مردم تسهیل شود و این کارایی و بهره‌وری مشاغل را فزون‌تر می‌کند. در حالی‌که بخش خصوصی از بودجه نظامی در حوزه دارایی‌های بادوام و فیزیکی سود می‌برد (پیمان‌کاران دفاعی) اما از نظر بهره‌وری بلندمدت کمک چندانی به بخش خصوصی نمی‌کند. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری در بخش دارایی‌های غیر نظامی باعث رشد اقتصادی بیشتر بخش خصوصی می‌شود.

همین آمارها ما را با واقعیت عقب‌ماندگی آمریکا از چین در برخی حوزه‌های اقتصادی آشنا می‌کند. داده‌های شورای ملی اقتصادی ایالات متحده نشان می‌دهد چین سالانه بیش از ۳ برابر آمریکا برای ایجاد جاده‌ها، مدارس و دیگر زیرساخت‌ها هزینه می‌کند. ایالات متحده از نظر سرمایه‌گذاری در زمینه نوآوری در رتبه نهم جهان قرار دارد؛ در حالی‌که چین به رتبه دوم رسیده است.

بنابراین علت اصلی خروج نیروهای آمریکایی به همین مسائل بنیادی بازمی‌گردد؛ نه طراحی توطئه‌ای از جانب آمریکا علیه رقبای خود. درست است که چین و ایران به‌واسطه همسایگی و روسیه به دلیل اهمیت آسیای مرکزی و تاجیکستان در حوزه منافع ملی‌اش از رشد دوباره بنیادگرایی و تروریسم در افغانستان متضرر خواهند شد، اما اینها همه از اثرات وضعی خروج نیروهای آمریکایی و خلأ قدرت به وجود آمده است.

به عبارت دیگر خطرهای امنیتی پیش روی این کشورها را باید پیامدهای ناخواسته خروج نیروهای خارجی دانست نه برنامه‌ای خودخواسته و طراحی شده از جانب واشنگتن. اما با وجود برخی اختلال‌ها، آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها در پروسه خروج آمریکا که البته بر پرستیژ و تصویر ایالات متحده در کوتاه مدت در عرصه بین‌المللی آسیب وارد کرد، باید تاکید کرد آنچه موجبات نگرانی اصلی چین و روسیه است، آزادسازی منابع آمریکایی از جنگ طولانی ۲۰ ساله است و احتمال به وجود آمدن فرصت‌های بیشتر برای واشنگتن به‌منظور تمرکز بر رقابت با مسکو و پکن.

پنج دلیل برای خروج آمریکا از افغانستان

Five Reasons for American Withdrawal from Afghanistan

هنگامی که رئیس جمهور جو بایدن خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را اعلام کرد، می دانست که طالبان بیش از 20 سال است که منتظر بازگشت به قدرت هستند و هنوز هم چنین عقب نشینی ناگهانی را پیش برد.

When president Joe Biden announced the withdrawal of American troops from Afghanistan, he knew that the Taliban is waiting for over 20 years to return to power and still he went ahead with such an abrupt withdrawal.

چند سال پیش فیلمی را در زمینه افغانستان به نام «12 قوی» تماشا کردم. گفت و گوی این فیلم توسط یکی از رهبران افغان بود: «در اینجا هیچ انتخاب درستی وجود ندارد. اینجا افغانستان است، گورستان بسیاری از امپراتوری ها. امروز شما دوستان ما هستید، فردا دشمن ما هستید. برای شما تفاوتی نخواهد داشت اگر بروید ترسو خواهید بود و اگر بمانید دشمن ما خواهید بود.»

نویسنده این مقاله امیت بنسل «Amit Bansal» است که این مقاله را در تاریخ «17» ماه اگست به دست نشر سپرده است

او یعنی نویسنده این مقاله کیست :

امیت بانسال فارغ التحصیل موسسه مدیریت هند در احمدآباد است. او مشتاق تقویت مجدد ریشه های Sanatan Dharma است و نقش کوچک خود را در این جوان سازی از طریق نوشته ها، گفتگوها و سایر ابتکارات خود ایفا می کند. او اصالتاً اهل دهلی نو است و به عنوان یک حرفه ای امور مالی در شغل روزانه خود کار می کند. او همچنین از آشپزی، گوش دادن به موسیقی و بازی بدمینتون لذت می برد.

این دقیقاً همان وضعیتی است که در افغانستان برای تقریباً سه هزار سال گذشته است. درست از پادشاهی باستانی بلخ زرتشت تا گندهارا و سپس به اسکندر توانا، مهاجمان اسلامی ترکیه تا پادشاهی های غور و غزنی، فهرست بلندبالایی از مهاجمان خارجی درست از تیمور تا نادرشاه و دیگر قبایل آسیای مرکزی، امپراتوری مغول تا حکومت سیک ها. مهاراجه رنجیت سینگ، قلمرو بریتانیا تا حکومت قبایل افغان، حکومت کمونیستی مورد حمایت شوروی تا طالبان فوق العاده متعصب و از دموکراسی حمایت شده ایالات متحده تا بار دیگر طالبان 20.0. افغانستان به کسی رحم نکرد. همه با دستور کار خود به اینجا آمدند اما نابود شدند.

ایالات متحده آمریکا نیز از این قاعده مستثنی نبود. زمانی که رئیس جمهور **جو بایدن** خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را اعلام کرد، می دانست که طالبان بیش از 20 سال است که منتظر بازگشت به قدرت هستند و با این حال، بدون واگذاری صحیح قدرت و در دست گرفتن دولت افغانستان، این خروج ناگهانی را ادامه داد. اعتماد قبل از امضای قرارداد با شبکه تروریستی در دوحه قطعاً دلالی از جانب آمریکا برای چنین عقب نشینی ناگهانی وجود داشته است.



سربازان آمریکایی در حالی استراحت می‌کنند که مردم افغانستان (تصویر نیست) در انتظار ترک فرودگاه کابل در کابل در 16 اوت 2021، پس از پایان سریع و خیره‌کننده جنگ 20 ساله افغانستان، در حالی که هزاران نفر از فرودگاه شهر در تلاش برای فرار از ترس این گروه هستند، استراحت می‌کنند. نام تجاری تندرو حکومت اسلام‌گرایان). عکس خبرگزاری فرانسه.



در اینجا پنج دلیل من برای خروج ایالات متحده از افغانستان آورده شده است

اهداف عملیات آزادی پایدار و جنگ علیه ترور

و در جنگ علیه ترور پس از حمله 11 سپتامبر، جریان احساسی شدیدی در آمریکا به وجود آمد و همه خواستار مجازات عاملان این رویداد بودند. آمریکا بلافاصله «عملیات آزادی پایدار» را آغاز کرد. از آنجایی که طالبان در آن مقطع زمانی از القاعده حمایت نزدیکی می‌کرد، **عمو سام** «آمریکا» چاره‌ای جز هدف قرار دادن آنها نداشت. در نتیجه، آنها یعنی طالبان از قدرت رانده شدند و یک دولت تحت حمایت ایالات متحده در افغانستان بر کرسی قدرت نشست. با حذف **اسامه بن لادن** و رهبران اصلی القاعده، افرادی در رده‌های بالایی کاخ سفید بودند که معتقد بودند جنگ علیه تروریسم به پایان رسیده است و عاقلانه نیست که ایالات متحده در آنجا «افغانستان» بماند. علاوه بر این، تفاوت‌های ایدئولوژیک واضحی بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها وجود دارد و **جو بایدن** که خود دموکرات بود، نمی‌خواست این به اصطلاح «جنگ علیه ترور» ادامه یابد.

تغییر تمرکز از آسیای مرکزی به آسیا و اقیانوسیه

از آنجایی که چین شروع به پیچیدن عضلات خود در آسیا و اقیانوسیه کرد، نادیده گرفتن آن برای ایالات متحده امری اجتناب‌ناپذیر بود. انجمن‌های مختلفی مانند Quad برای مقابله با اثرها تشکیل داد، اما متوقف کردن فعالیت‌های چین کار سهل و ساده‌ای نبود. بلکه ایالات متحده برای یک استراتژی بلند مدت باید پای خود را در آسیا و اقیانوسیه محکم بگذارد. باز بودن دو جبهه به

طور همزمان را نمی‌توان عمل عاقلانه نامید و از این رو ایالات متحده تصمیم گرفت از افغانستان خارج شود تا بتواند به نحو بهتری بر آسیا و اقیانوسیه تمرکز کند.

طالبان 1.0 = دوره اول و طالبان 2.0 = دوره دوم :

تفاوت آشکاری بین طالبان قبلی (1994-2001) یا طالبان 1.0 «دوره اول» و طالبان امروزی (طالبان 2.0 دوره دوم) وجود دارد. طالبان امروزی مشتاق شستن برچسب یک سازمان تروریستی است و خواهان مشروعیت است. این یکی از دلایل اصلی افتتاح دفتر سیاسی در دوحه-قطر بود. نحوه مشارکت آنها در روند صلح نشان دهنده اشتیاق آنها برای دستیابی به همین موضوع است. علاوه بر این، طالبان «2.0 دوره دوم» بسیار قوی‌تر از «طالبان 1.0 دوره اول» است. طالبان قبلی با کمک‌های مالی و حمایت ISI پاکستان زنده می‌ماندند، اما طالبان امروزی اقتصاد خاص خود را دارد که از تجارت مواد مخدر، مالیات، اخاذی و سایر ابزارها پول به دست می‌آورند. تجهیزات، تسلیحات و آموزش آنها نیز افزایش یافته است. این امر در حملات مختلف طالبان به نیروهای آمریکایی در افغانستان در پنج سال گذشته قابل مشاهده بود. طبیعتاً، با وجود چنین دشمنی در مقابل شما، ایالات متحده نمی‌خواهد مانند ویتنام قهر خود را ایجاد کند، بنا بر این خروج محترمانه تنها گزینه بود.

پیامدهای مالی استقرار

ایالات متحده در «20 سال گذشته بیش از سه تریلیون دلار در جنگ موسوم به "جنگ علیه تروریسم" هزینه کرده است. حفظ سطح نیرو در چنین مکانی دشوار و مستلزم منابع گران است. حفظ زنجیره تامین نیز یک چشم انداز مهم بود. پیش از این، کل زنجیره تامین نیروهای آمریکایی در پاکستان مستقر بود و پاکستان در واقع از این موضوع منتفع شده بود، اما در حدود پنج سال گذشته، روابط بین ایالات متحده و پاکستان تیره شده است که طبیعتاً زنجیره تامین نیروهای آمریکایی را تحت تأثیر قرار داده است. گران‌تر است زیرا بیشتر منابع در حال حاضر از طریق هوایی حمل می‌شود. در حال حاضر این هزینه حدود {45 تا 50} میلیارد دلار در سال بود که در اوج جنگ بیش از 100 میلیارد دلار در سال بود. خرج چنین مبلغ هنگفتی توسط رهبری ایالات متحده عاقلانه تلقی نشد و از این رو خروج از آن تصمیم گرفته شد.

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری 2020 آمریکا

در طول رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری 2020، **جو بایدن** اولویت‌های خود را روشن کرده است. خروج از افغانستان و تمرکز بر چالش‌های داخلی یکی از مهمترین برنامه‌های حزب دمکرات بود. هنگامی که رای‌دهندگان آمریکایی آنها را انتخاب کردند، بایدن به وعده خود عمل می‌کردند. البته، آنها تحویل می‌دهند - ما نند **هند** نیست **جو بایدن** می‌دانست که کار سخت و کثیف خواهد بود، اما هیچ منطقی در خرج کردن چنین مقدار زیادی از پول مالیات‌دهندگان برای چیزی که رای‌دهندگان نمی‌خواستند وجود نداشت. وی همچنین در یکی از اظهارات اخیر خود به صراحت گفت که ایالات متحده برای ملت‌سازی در افغانستان حضور ندارد. این همه و دلیل کناره‌گیری را توضیح می‌دهد. اولویت‌های او روشن بود - تروریسم (القاعده) در افغانستان آنقدر بزرگ نبود که آمریکا این همه پول خرج کند و طالبان مشکل داخلی افغانستان است که دولت آنها باید به آن رسیدگی کند.

شکی نیست که عمو سام دلایل خود را برای چنین عقب‌نشینی داشت، اما خروج ناگهانی از کشور با ایجاد خلأهای متعدد صحیح نبود. این امر به طالبان کمک کرد تا در کوتاه‌ترین زمان

کشور را جا رو کنند و اکنون که همه چیز کثیف شده است، جامعه جهانی پاسخی ندارد. طالبان به هدف خود رسیدند پاکستان به هدف خود رسید و تروریست ها به هدف خود که یک پناهگاه امن بود رسیدند در حالی که تپه های کوه هندوکش هنوز تشنه خون انسان است. عمو سام یک شخصیت ملی رایج از دولت فدرال ایالات متحده یا به طور کلی کشور است که طبق افسانه در طول جنگ 1812 مورد استفاده قرار گرفت و ظاهراً به نام ساموئل ویلسون نامگذاری شده است.)

پایان -----

چرا خروج ایالات متحده از افغانستان اینقدر سریع بود و چرا آنها این همه چیز را پشت سر گذاشتند

Why the US withdrawal from Afghanistan was so quick and why they left so much behind



هزاران قطعه تجهیزات توسط ایالات متحده در افغانستان به جا مانده است. (رویترز: ارتش ایالات متحده)

ارتش آمریکا هفته گذشته به طرز قابل توجهی بدون تشریفات از پایگاه هوایی بگرام در افغانستان خارج شد. آمریکایی ها به مدت 20 سال از این تأسیسات عظیم و به شدت مستحکم به اندازه یک شهر استفاده می کردند. اما ژنرال افغان که محل را تصاحب کرده بود، دو ساعت پس از قطع برق متوجه شد که آمریکایی ها رفته اند.

مراسمی نبود. بدون واگذاری نه: "اینم کلیدها، موفق باشید!"

بسیاری از خودروها در واقع بدون کلید رها شده بودند.

بنابراین، چرا ارتش ایالات متحده بدون اینکه به کسی چیزی بگوید، فرار کرد؟ آیا این یک راه عادی برای پایان دادن به جنگ است؟ و چرا این همه چیزها را پشت سر گذاشتند؟



یک سرباز افغان پس از خروج نظامیان آمریکایی در پایگاه هوایی بگرام نگرانی می‌دهد عکاسی «رحمت گل»

خروج از پایگاه هوایی بگرام به چه معناست؟

خروج از پایگاه هوایی بگرام عملاً به طولانی‌ترین جنگ ایالات متحده (و استرالیا) پایان داد.

"واقعاً سخت است که بگوییم ارزشش را داشت": آخرین سربازان استرالیایی افغانستان را ترک می‌کنند

خروج اخیر آخرین پرسنل دفاعی استرالیا در حالی صورت می‌گیرد که جنگجویان طالبان به بازپس‌گیری ولسوالی‌ها در سراسر افغانستان ادامه می‌دهند.

« شما می‌توانید به ارتباز خروج نیروهای استرالیایی مقاله جداگانه ای را مطالعه کنید »

پنتاگون می‌گوید خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان 90 درصد کامل شده است.

یک گروه امنیتی غیرمعمول بزرگ ایالات متحده متشکل از 650 سرباز مستقر در محوطه سفارت ایالات متحده در افغانستان، به محافظت از دیپلمات‌های آمریکایی و کمک بالقوه به امنیت فرودگاه بین‌المللی کابل ادامه خواهد داد.

اما نیروهای آمریکایی دیگر برای آموزش یا مشاوره به نیروهای افغان در آنجا حضور نخواهند داشت.

درویش رئوفی، ولسوال بگرام افغانستان به آسوشیند پرس گفت: متأسفانه آمریکایی‌ها بدون هماهنگی با مقام‌های ولسوالی بگرام یا والی این کشور، آنجا را ترک کردند.



جنگ در افغانستان طولانی ترین جنگ ایالات متحده بوده است (AP: دیوید گلدمن)

چرا تخلیه اینقدر ناگهانی بود؟

جان کری، سخنگوی پنتاگون، این هفته گفت که ارتش آمریکا به افغان ها گفته است که آنها را ترک می کنند، اما به دلایل امنیتی نمی خواهند زمان دقیقی را اعلام کنند.

گفتگوهای نهایی حدود 48 ساعت قبل از عزیمت آنها در 2 ژوئیه بود.

آقای کری گفت: «آنچه که می خواهم بگویم این است که ساعت دقیق حرکت برای اهداف امنیتی عملیاتی فاش نشده است».

وقتی در مورد این کاهش صحبت می کنیم، در مورد امن و منظم بودن آن صحبت می کنیم. "ایمن" اولین کلمه است".

فرماندهی مرکزی آمریکا این عقب نشینی را "منظم و مسئولانه" توصیف کرد.

به گفته یک منبع ارشد نا شنا س در ارتش، آقای کری اشا ره ای نکرد که چرا برق قطع شده است، اما NPR گزارش داد که خاموشی در نتیجه "ارتباط نادرست" بوده است.

یا پایان دادن به جنگ به این شکل طبیعی است؟

لازم نیست.

بر خلاف افغانستان، برخی از جنگ های آمریکا با شکوفایی به پایان رسیده است.

چرا این همه چیز در افغانستان بجا مانده است؟

به نظر می رسد سرعت خروج یکی از عوامل اصلی در این است که چرا این همه عقب مانده است.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده گفت که کمتر از 17074 قطعه تجهیزات در افغانستان باقی گذاشته است.



پنٹاگون می گوید کہ ایمنی اولویت اول آن در خروج بوده است (AP: رحمت گل

(در این بیانیه آمده است: «بیشتر این تجهیزات، اقلام دفاعی نیستند یا تجهیزات اصلی محسوب می شوند .

مقامات ایالات متحده در مورد اینکه دقیقاً چه چیزی باقی می ماند و چه چیزی برده میشود مخفیانه بوده است .
 قرار است برخی تجهیزات از جمله هلیکوپتر، خودروهای نظامی، سلاح و مهمات به ارتش افغانستان تحویل داده شود .
 تجهیزات و وسایط نقلیه که به دلیل وضعیت نامناسب نه قابل تعمیر و نه قابل انتقال به نیروهای امنیتی افغانستان هستند، نابود خواهند شد .



ماشین آلات منهدم شده آمریکایی در محوطه ای خارج از پایگاه هوایی بگرام نشسته اند (AP: رحمت گل

(آقای جنینگز از ASPI گفت: «من فکر می‌کنم اولویت این بوده است که هرچه سریع‌تر از خانه خارج شوید .

جو بایدن [رئیس جمهور ایالات متحده] به وضوح گفته است که این همان چیزی است که او فکر می‌کرد باید یک دهه پیش در افغانستان اتفاق می‌افتاد .

واشنگتن با خروج از افغانستان در توافقی که سال گذشته در زمان **دونالد ترامپ**، سلف جمهوری خواه **آقای بایدن** مذاکره شد، موافقت کرد

آقای بایدن رهبران نظامی را که خواهان حفظ حضور گسترده‌تر برای کمک به نیروهای امنیتی افغانستان و جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به محل برگزاری گروه‌های افراطی بودند، رد کرد .

در حالی که او ابتدا ضرب‌الاجل خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را تا 11 سپتامبر تعیین کرده بود، اما اکنون این ضرب‌الاجل را تا 31 آگوست اعلام کرده است.



خروج نیروهای آمریکایی به معنای پایان جنگ با تروریسم نیست (AP: رحمت گل

حالا انتظار داریم چه اتفاقی بیفتد؟

اخیراً خشونت در افغانستان تشدید شده است .

حملات طالبان بر نیروهای افغان و غیرنظامیان تشدید شده و این گروه کنترل بیش از 100 مرکز ولسوالی ها را به دست گرفته است . طالبان بخش‌هایی از افغانستان را پس گرفتند

در حالی که نیروهای خارجی به آرامی افغانستان را قبل از تاریخ رسمی خروج 11 سپتامبر ترک می‌کنند، شورشیان طالبان در سراسر کشور در حال افزایش هستند .

رهبران پنتاگون گفته اند که خطر "متوسط" سقوط حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی آن در دو سال آینده، اگر زودتر نیا شد، وجود دارد .

خروج نیروهای آمریکایی به معنای پایان جنگ با تروریسم نیست



ایالات متحده به صراحت اعلام کرده است که اختیار انجام حملات علیه القاعده یا سایر گروه های تروریستی در افغانستان را در صورت تهدید سرزمین ایالات متحده برای خود حفظ می کند .

از آنجا که ایالات متحده هواپیماهای جنگنده و نظارتی خود را از کشور خارج کرده است، اکنون باید به پروازهای سرنشین دار و بدون سرنشین از کشتی ها در دریا و پایگاه های هوایی در منطقه خلیج فارس مانند پایگاه هوایی الظفره در امارات متحده عربی تکیه کند .

سر انجام چرا آمریکا از افغانستان خارج شد ؟

این مقاله توسط { لیویا اسکرو کارکنان اخبار ملی } نوشته شده است :



آمریکا به طور کامل از کابل افغانستان خارج شد . این تصمیم به مبارزه دو دهه ای پایان داد که اندکی پس از حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 آغاز شد .

در ماه اگست، پرزیدنت **بایدن** از ارتش آمریکا قدردانی کرد و گفت در مورد تصمیم خود برای پایان دادن به ماموریت ایالات متحده در افغانستان گفتگو خواهد کرد . در هفته آخر عقب نشینی، تروریست ها 13 شهروند آمریکایی و بسیاری از افغان ها را در یک حمله در خارج از فرودگاه

گشتند به دلیل تلفات، قدرت های ایالات متحده مجبور به تلافی شدند **مک کنزی** که فعالیت های نظامی ایالات متحده در این منطقه را مدیریت می کرد، گفت که طالبان اطلاعات مستقیمی در مورد زمان برخاستن و یا خروج ارتش ایالات متحده نداشت، زیرا ایالات متحده تصمیم گرفت این داده ها را به طور استثنایی محدود نگه دارد. در حال حاضر، کمتر از 200 آمریکایی وجود دارد که به دنبال پاکسازی هستند. یمنی یا معافیت آنها اولویت اصلی دولت ایالات متحده است. طبق اعلام کاخ سفید، در ماه اگست، ایالات متحده همچنین (1200) نفر را از پایتخت افغانستان در 26 پرواز هواپیمای باربری نظامی در یک بازه زمانی 24 ساعته آزادیا بیرون کرد. از پایان ماه ژوئیه حدود 122800 نفر از جمله حدود 6000 ساکن ایالات متحده و خانواده هایشان تخلیه شده اند.

ایالات متحده درگیری خود را در افغانستان در اکتبر 2001، هفته ها پس از حملات 11 سپتامبر آغاز کرد. طالبان در آن زمان به القاعده پناهندگی دادند، گروهی که حملات گسترده ای را به جامعه تبادل جهانی و پنتاگون ترتیب داد و انجام داد. از آن زمان به بعد، حدود 2500 نظامی ایالات متحده کشته شده اند. علاوه بر این، درگیری جان 100000 سرباز، کارمند پلیس و شهروندان عادی افغان را گرفت.



در این تصویر ارائه شده توسط نیروی هوایی ایالات متحده، جعبه های انتقال پرچم در داخل یک هواپیمای ترابری روز یکشنبه قبل از انتقال آبرومندان در پایگاه نیروی هوایی دوور، دل. سربازان کشته شده در حین حمایت از تخلیه در کابل، افغانستان کشته شدند (عکس) یا حسن نیت از (CNBC)

امروز طالبان دوباره قدرت خود را تثبیت کردند و مناطق جدیدی به دست آوردند. پس از تسلط طالبان، **بایدن** از انتخاب خود مبنی بر خروج ایالات متحده از کشور جنگ زده محافظت کرد. من کاملاً پشت تصمیم خود هستم. **بایدن** یک روز پس از سقوط افغانستان به دست طالبان گفت: پس از 20 سال به سختی یاد گرفتم که هرگز زمان خوبی برای خروج نیروهای آمریکایی وجود نداشت. وی افزود که نیروهای آمریکایی دیگر نمی توانند در جنگ برای مردم افغانستان که حتی حاضر نیستند برای خودشان بجنگند، بجنگند **بایدن** گفت: «سربازان آمریکایی نمی توانند و نباید در یک درگیری بجنگند و در درگیری که قدرت های افغانستان برای خودشان آماده نبرد نیستند، بجنگند». ما به آنها اجازه دادیم تا هر فرصتی برای تصمیم گیری در مورد آینده خود داشته باشند. ما نتوانستیم اراده مبارزه برای آن آینده را به آنها بدهیم.»

پنتاگون روز شنبه اسامی 13 آمریکایی را که پس از انفجار یک بمب توسط یک تروریست در فرودگاه کابل کشته شدند، اعلام کرد. حمله 26 اگست که 11 تنگدار آمریکایی، یک ملوان نیروی دریایی و یک سرباز ارتش را کشت، تحت تحقیقات جدی قرار دارد. بنابراین، مرگ بیشمار سربازان

آمریکایی، عدم تمایل مردم افغانستان به مخالفت با حاکمیت طالبان، و افزایش نفوذ طالبان در منطقه بر تصمیم **بایدن** برای عقب نشینی از کشور پس از 20 سال مشارکت فعال در درگیری تأثیر گذاشت.

یاداشت: این بود عوامل اصلی خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان به هدایت جو بایدن و برخی مجبوریت های قابل تذکر که فوقاً از آن یادآوری کردیم

به ادامه طرح سوال چهارم

----- با تقدیم احترامات «2023-02-09»